

پاسداشت علامه طباطبایی؛ بزرگترین مفسر و فیلسوف جهان اسلام در قرن معاصر

«المیزان» همچنان بر تارک تألیفات علمای شیعه می درخشد

عبدالحسین توکلی طرقي

بود و آن چه در این آینه فرخنده درخشید، قرآن بود. ثالثاً، علامه با این که قبل از هر وصفی، به عنوان شخصیتی عقلی و فلسفی و عرفانی شناخته می‌شد، برخلاف بسیاری از فیلسوفان مفسر و عارفان تأویل‌گرا و یا علم‌گرایان توجیه‌گرا، سعی داشت تا قلمرو آراء و فرضیه‌های علمی و فلسفی را از ساحت قرآن و تفسیر متمایز سازد و آنها را در هم نیامیزد، نه همچون مفسران علم زده تطبیق قرآن بر فرضیات علمی و تجربی و تکامل پذیرش را می‌توانست بپذیرد و نه تأویل قرآن. بر پایه مکاشفات عرفانی و یا توهّمات صوفیانه را، و نه اعتماد کردن بر روایات ضعیف مخدوش و متناقض را! او بر این اعتقاد بود که تطبیق قرآن بر مسایل علمی-تجربی و حتی مسایل فلسفی و عرفانی، چیزی جز تحمیل شناخت‌های محدود و مقطعی بشر بر قرآن نیست و قرآن نه پذیرای چنین تحمیلی است و نه نیازمند بدان.

المیزان حتی پیش از آن که در میان جامعه خویش شناخته شود، در محافل علمی دیگر نامدار می‌شود و قبل از این که در محیطی که تدوین یافته است تجدید چاپ شود، بارها در لبنان چاپ می‌شود و پیش از این که متفکران شیعی به نقد و تحلیل آن پردازند، در همان آغاز، استادان مصری از علامه تقدیر می‌کنند و المیزان را ارج می‌نهند.^(۲)

نویسنده المیزان به آراء و اقوال مفسران در اثر گرانقدر خویش توجهی ویژه دارد، تا بدان اندازه که برخی بر این باورند که نام المیزان از آن رو بر این تفسیر نهاده شده است که ایشان، آراء و اقوال مفسران و اندیشوران را یاد کرده و در ترازوی ملاک‌های دینی و عقلی به سنجش گرفته است. بیان اقوال و آراء در المیزان تا حدی است که خواننده خود را با مجموعه‌ای از دیدگاه‌های متنوع روبرو می‌بیند که علامه با تلاشی طاقت فرسا به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته است. وی در میان مفسران و قرآن پژوهان شیعی، آموزه‌های تفسیری عالمانی چون طبرسی، عیاشی، فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی، نعمانی، فیض، بحرانی و حویزی را از تفاسیر مجمع‌البیان، عیاشی، فرات، قمی، نعمانی، صافی، برهان و نورالثقلین یاد کرده و از زمره عالمان سنی دیدگاه‌های دانشورانی چون

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی^(۳) (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش)، در زمره درخشانترین علمای اسلام در قرن اخیر است. احیای معارف قرآنی از یکسو و تجدید حیات حکمت الهی از سوی دیگر در حوزه علمیه قم، بزرگترین خدمت این عالم ربانی و حکیم صمدانی است. آثار قلمی و تربیت یافتگان محضر پرفیض او، دو میراث گرانبه‌ای جامعه اسلامی معاصر است.

المیزان تحقیقاً نقطه عطفی در تاریخ تفسیر شیعی، بلکه در تاریخ تفسیر قرآن است. روش تفسیر قرآن به قرآن در المیزان و مباحث مستقل آن، دو ویژگی بارز این تفسیر گرانسنگ است. المیزان به حق دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است که هیچ محققى در پژوهش‌های عمیق اسلامی خود از آن بی‌نیاز نیست.

تفسیرنویسان در گذشته و حال بسیارند؛ جز آن که در میان همه آنان معدود تفاسیری چشمگیر و قابل توجه‌اند؛ از آن جمله تفسیر المیزان نوشته استاد علامه طباطبایی، که در تاریخ معاصر گوی سبقت از همگان ربوده و جایگاه بلندی در جوامع علمی به خود اختصاص داده است. این ویژگی، در پی ارزش‌های چندی است که در این تفسیر گرد آمده و به مطالب عالی و مباحث شگرف آن رونق دیگری بخشیده است.^(۱)

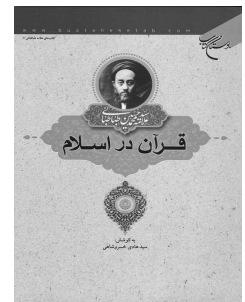
آن چه المیزان را بر سایر تفاسیر برتری می‌بخشد، چند نکته است:

اولاً، عصر علامه عصر دسترسی به منابع انبوه و مدارک فراوان قرآنی و تفسیری و روایی و علمی بوده است و برخلاف مفسران پیشین، وی با اشراف بر مهم‌ترین منابع معرفتی به کار تفسیر پرداخته و از هر تفسیر، زیباترین و درست‌ترین نظریه را برگزیده و کاستی‌های آنها را فروهشته است.

ثانیاً، شخصیت علمی و زوایای معرفتی و توان عقلی و فلسفی علامه، جامعیت و صلاحیتی به اندیشه و برداشت‌ها و روش‌های شناختی وی بخشیده است که در کمتر مفسری می‌توان همانندش را سراغ گرفت.

او از فقه، حکمت، عرفان، حدیث، ریاضی، هیئت، ادبیات و... برخوردار بود و این همه، ذهن او را صاف و آینه‌گون ساخته

المیزان به حق دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است که هیچ محققى در پژوهش‌های عمیق اسلامی خود از آن بی‌نیاز نیست.





زمخشری، رازی، طبری، بیضاوی، سیوطی، شوکانی، آلوسی، عبده، رشیدرضا، طنطاوی و قرطبی را از تفسیرهای کشف، کبیر، جامع البیان، اسرار التأویل، الدر المنثور، فتح القدر، روح المعانی، المنار، الجواهر و جامع احکام القرآن متذکر شده است و با نگرشی نقادانه به دیدگاههای ایشان، تفسیر شفاف آیات را ارائه داده است. ایشان با همه ارج نهادن به تلاش‌های تفسیری صحابه و تابعان که به دلیل نزدیک بودن به زمان و مکان و شرایط نزول وحی از آراء و دیدگاههای شفاف‌تری نسبت به دیگر مفسران برخوردار هستند، با مطلق انگاشتن و چشم فرو بستن بر روی ناهمخوانی‌ها و ناهمسازی‌های نظری آنان با مفاد تفسیری آیات، موافق نیست.

علامه در بیان حجت بودن سخن رسول خدا (ص) از آیه شریفه (و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس منزل الیه) (نحل/ ۴۴) چنین استفاده کرده است. این آیه دلالت بر حجت بودن سخن رسول خدا (ص) در بیان و تفسیر آیات قرآن دارد و حجت بودن بیان ائمه (ع) را نیز افاده می‌کند؛ زیرا به حکم حدیث ثقلین، بیان ایشان، بیان رسول خدا (ص) و پیوسته به آن است؛ برخلاف دیگر صحابه و یا تابعان و یا علمای امت، که آیه شریفه شامل آنان نمی‌شود و دلیلی که بتوان در این زمینه بر آن اعتماد کرد و حجت بودن مطلق کلام ایشان را استفاده کرد، وجود ندارد. (۳)

چنان که در جای جای این مجموعه به تفصیل یاد شده است، یکی از مختصات تفسیری میزان، تفسیر قرآن به قرآن است و چه بسا این تعبیر به ذهن برخی ناآشنایان و زودباوران، چنین خطور دهد که علامه برای سنت و عترت، نقشی قابل نیست! در حالی که به یقین می‌توان گفت، ارج نهادن به عقل و منطوق و به کارگیری شیوه (تفسیر قرآن به قرآن) در مکتب علامه، هرگز به معنای انکار جایگاه رفیع سنت و بیان معصومان (ع) در تبیین قرآن نیست، بلکه او برای سنت پیامبر (ص) و بیان ائمه (ع) ارجی گران قابل است و می‌نویسد: «قرآن در بیان مقاصد خویش، سنت‌بندی را اعتبار بخشیده و آن را الگو قرار داده است». (۴)

وی درباره ناهنجاری‌هایی که بر عترت، پس از رسول (ص) رفته است، با اندوهی سخت می‌نویسد: «آن چه پس از رسول خدا (ص) در امر خلافت رخ داد، اختلافاتی را در آرای امت نسبت به اهل بیت رسول خدا (ص) در پی داشت. و حال آن که رسول خدا (ص) در مورد آنان سفارشی خدشه‌ناپذیر کرده و فرموده بود: «از ایشان علم را فراگیرید و به آنان چیزی نیاموزید؛ زیرا آنان عالم‌ترین به کتاب خداوند و در تفسیر قرآن به خطا نمی‌روند». (۵)

به نظر علامه، جدایی مسلمانان از مکتب اهل بیت بزرگترین ضربه‌ای بود که به علوم و معارف قرآنی وارد گشت! «و هذا اعظم تلمة اثمم بها علم القرآن و طریق التفکر الذی یندب الیه». (۶)

از سوی دیگر، کتاب ابتکاری اصول فلسفه و روش رئالیسم، تعلیقات بر اسفار و نیز تقریر حکیمان و موجز استاد علامه از آخرین دستاوردهای حکمت متعالیه در

نهایة الحکمة، سرآغاز یک تحول خواستنی در آثار فلسفی ماست. مباحث مستقل روایی میزان و تعلیقات مختصر اما پر مغز بر بحار الانوار و اصول کافی آغاز نیکو بر دیدگاه جدید شیعه در مسایل روایات اهل بیت (ع) را ارائه می‌کند. علامه طباطبایی از علمای صاحب روش ماست؛ در تفسیر، در فلسفه، در روایات، به علاوه در همه زمینه‌های یاد شده صاحب آراء جدید و ابتکاری است. بیان متقن، سنجیده، منقح و دور از حشو و زوائد، خصیصه لابنفک آثار این دانشور بصیر است. علاوه بر کتاب‌های یاد شده، آثار فراوانی به زبان‌های عربی و فارسی در قالب کتاب، رساله، مقاله، مذاکره و نیز پاسخ به پرسش‌های مختلف، از استاد علامه به جا مانده است که هر یک به نوبه خود خواندنی است. بسیاری از این آثار در حکم تفسیر و تبیین و بسط میزان به حساب می‌آیند.

سرانجام مرد بزرگی که جهان به نور علم و معرفت خویش روشن کرده بود، پس از عمری پر خیر و برکت صبح یکشنبه ۱۸ محرم ۱۴۰۲ قمری / ۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی به دیار ابد رهسپار گردید و هر آزاده‌ای که اندک نور معرفتی در دل داشت، در عزایش رخت ماتم پوشید و در جوامع ملکوت جشن حضور برپا شد، گرچه در جوامع ناسوت غلغله هجران و فرمان حرمان به پا گشت.

پی نوشت‌ها:

- ۱- حسین طهرانی، علامه حاج سید محمد حسین، مه‌رتابان، انتشارات علامه طباطبایی، طبع دوم، مشهد، ۱۴۱۷ ق.
- ۲- دومین یادنامه علامه طباطبایی، چاپ اول، مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۲۸۵.
- ۳- طباطبایی، محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، قم المقدسه، ۳۷۶/۱۲.
- ۴- همان، ۲۷۲/۵.
- ۵- همان، ۲۷۴/۵.
- ۶- همان، ۲۷۵/۵.

شخصیت علمی و
زوایای معرفتی و توان
عقلی و فلسفی علامه،
جامعیت و صلاحیت به
اندیشه و برداشت‌ها
و روش‌های شناختی
وی بخشیده است
که در کمتر مفسری
می‌توان همانندش را
سراغ گرفت.